

مؤلفه‌های پایداری در شعر طاهره صفارزاده و سپیده کاشانی

مسعودباوان پوری^{۱*}

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

الهام ابراهیمی^۲

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۰۳)

صفحات ۱۴۵ - ۱۵۸

چکیده

ادبیات و شعر، با توجه به تعهد خویش، نقشی پررنگ و ماندگار در فرهنگ یک ملت دارند. بخش عظیمی از شعر معاصر فارسی به جنگ تحمیلی و ادبیات دفاع مقدس اختصاص یافته است. در طول هشت سال دفاع مقدس، زنان دوشادوش مردان در تمامی صحنه‌ها حاضر بوده و به دفاع از کشور خویش پرداختند. در این میان زنان شاعر، زبان به دفاع مشروع از کشور و وطن خویش گشوده‌اند و در کنار ابراز حس وطن دوستی خویش، به یاد و ذکر نام‌ویاد شهیدان پرداخته و با آوردن نمادها و عناوین مختلف نسبت به ظلم و ستم متخاصمان بعضی اعتراض کردند. طاهره صفارزاده و سپیده کاشانی دو تن از مهین بانوانی هستند که شعر خویش را وقف دفاع از کشور و ملت خویش ساختند. هر دو شاعر علاقه وافری به وطن خویش داشته و آن را به مادر تشبیه ساخته‌اند. دو شاعر از نمادهای انسانی مثل امام حسین (ع)، حضرت مهدی (عج) و... برای مبارزان و شهیدان ملت خویش، نیز نمادهای حیوانی مثل گرگ، دزد و شیاطین برای دشمنان بهره برده‌اند. مقاله حاضر می‌کوشد با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با بررسی مضامین ادبیات پایداری مرتبط با دفاع مقدس، به بررسی مؤلفه‌های پایداری در شعر این دو شاعر زن بپردازد.

کلمات کلیدی: دفاع مقدس، زنان، شعر، ادبیات پایداری، وطن.

۱. * نویسنده مسئول: masoubavanpouri@yahoo.com

۲. elham.ebrahimi@yahoo.com

۱. مقدمه

۱-۱. مبانی نظری و بیان مسئله پژوهش

شعر فارسی از سال ۱۳۵۷ شمسی تاکنون سیر خطی مشخصی را پیش گرفته است؛ شعر اوایل انقلاب که زمان تحول فضای جامعه بود، از نظر فرهنگی و سیاسی و مذهبی و اجتماعی و فضای شعری، تضاد فراوانی با شعر پیش از انقلاب داشت. فضا هنوز فضای مبارزاتی و تظاهراتی و اشعار، شعارگونه و تهییجی بود. پدیده جنگ این تحول را چندبرابر کرد. سیر فضا تا زمان جنگ تحول تدریجی خود را پشت سر می‌گذارد؛ اما یک‌باره با شروع جنگ، فضا دچار شتاب می‌شود و در شعر این شتاب، نمود روشنی دارد. ادبیات بعد از انقلاب به ادبیات مردمی دفاع مقدس تبدیل شد که با مردم همگام گشت و به نوعی تاریخ انقلاب را به تصویر کشید. تجاوز عراق به ایران و شروع دفاع مقدس تأثیری شگرف در شعر ایجاد کرد و ادبیات منظوم جنگ دفاع مقدس از بطن انقلاب زاده شد که تأثیر آن را در شعر فارسی این دوره شاهد هستیم. «جنگ‌ها، انقلاب‌های اجتماعی هستند. جنگ و انقلاب با پیروی از امیال انسانی در زمان و مکانی خاص، دوره‌ای واحد به قصد دستیابی به اهدافی مشخص و با مشارکت نیروهای انسانی، به کارگیری ابزارها و شیوه‌های مختلف خشونت و کشتار و سرانجام صرف هزینه و نیروی انسانی و تجربی و مالی محقق شده است» (صنعتی، ۱۳۸۹: ۱۳). جنگ و تحمیل آن بر ایران پیامدهای بسیاری را به دنبال خود داشت؛ از جمله تغییراتی که در فرهنگ اجتماع و اقتصاد و سیاست به وجود آورد و بارزتر از همه، تغییراتی بود که در حوزه ادبیات ایجاد کرد. «جنگ‌شناسی برابرنهاده پوالمولوژی (polemologie) است که از ترکیب واژه یونانی polemos به معنی جنگ و logos به معنی بررسی و شناسایی ساخته شده و کلاً به معنای علم جنگ، مطالعه شکل‌ها، علت‌ها، نتایج و عملکردهای جنگ به عنوان یک پدیده اجتماعی است» (فروغی جهرمی، ۱۳۸۹: ۳۰۴).

ادبیات در ماندگاری ارزش‌ها و اندیشه، سهمی بزرگ و انکارناپذیر دارد و ویژگی‌های ادبی، فرهنگی و زبانی همه ملل جهان را با وجود اختلاف ظاهری و زبانی معرفی می‌کند. واضح است که بسیاری از شاعران ایران‌زمین با وقوع جنگ تحمیلی نسبت به این قضیه واکنش نشان دادند و نسبت به ظلم و ستم و اشغالگری بعثیان اعتراض کردند که این موضوع را می‌توان در زیرمجموعه ادبیات پایداری مورد بررسی قرار داد.

ادبیات پایداری شامل شعرها، داستان‌ها و روایت‌هایی است درباره ایستادگی و مقاومت یک ملت در مقابل ظلم و تجاوز داخلی یا خارجی. ادب پایداری شاخه‌ای از ادب متعهد و ملتزم است که محتوای آن در جهت منافع و خواسته‌های یک نظام حاکم مستبد نباشد و با زبانی صریح، بدون تأکید بر نوآوری و در زمینه‌های تخیلی بیان شود؛ براساس تعریف، ادب پایداری باید هدفمند و تعلیمی باشد و برای رساندن پیام یا القای موضوعی که مورد نظر شاعر است، نوشته شود و به مخاطبانش می‌آموزد چگونه در برابر نظام‌های سلطه‌گر و مستبد ایستادگی کنند (بصیری، ۱۳۷۶: ۲۰). پیام این نوع ادبیات ترسیم چهره رنج‌کشیده و مظلوم مردم، دعوت به مبارزه، بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌ها، توصیف و ستایش جان‌باختگان و شهیدان، القای امید به آینده و پیروزی موعود، ستایش آزادی و آزادگی، ستایش سرزمین مادری و طرح نمادهای اسطوره‌ای ملی و تاریخی است. جان‌مایه این آثار، ستیز با بیداد داخلی یا تجاوز خارجی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است (سنگری، ۱۳۷۷: ۳۶). شعر پایداری در قلمرو ادبیات متعهد قرار می‌گیرد؛ چراکه برخوردار از اصل تعهد یعنی «مشارکت آگاهانه ادیب در جریان‌ات سیاسی و اجتماعی جامعه و موضع‌گیری در قبال آن است» (ابوحاقه، ۱۹۷۹: ۱۳).

ادبیات پایداری را می‌توان به فریاد رسای ملت‌های مظلوم و ستمدیده نیز تعبیر کرد؛ فریادی که از عمق جان هنرمند

برمی‌خیزد و در پهنای جهان هستی طنین‌انداز می‌گردد و با فریاد بی‌صدای خود، ندای خاموش ملت‌های ستمدیده را به گوش جهانیان می‌رساند. این ادبیات در برابر استعمارگران و ظالمانی که هدفی جز به‌یغما بردن تلاش‌های ملت‌های مظلوم و ستمدیده برای برافراشتن کاخ‌های ظلم و ستم خود ندارند، به‌پا خاسته و با تمام توان، برای نابودی اهداف استعماری آنان تلاش می‌کند و گاه چنان جوش و خروشی دارد که جهان را به لرزه درمی‌آورد و ملتی را وادار به حرکت می‌کند؛ گاهی نیز به‌خاطر خفقان‌های سیاسی و اوضاع نابسامان جامعه و اختناق بیش از حد، رنگ‌نجوی شبانه به خود می‌گیرد؛ اما در هر صورت، این ادبیات همیشه زنده و پویاست و در راه رسیدن به هدف مقدس خود که همان رهایی جامعه از قید و بند استعمار و استبداد است، تلاش می‌کند. «این ادب پیوسته با مردم می‌جوشد و می‌خروشد و با حالات و منسبت‌های آنان در رویارویی با دشمنان، همسو و همساز و با جزرومدهای زندگی مردم همراهی دارد» (آیینه‌وند، ۱۳۷۳: ۱۴۱). طاهره صفارزاده و سپیده کاشانی دو تن از زنان فرهیخته‌ای هستند که شعر خود را وقف دفاع مقدس نمودند.

صفارزاده و کاشانی اشعاری زیبا و نیکو در مورد عشق به وطن دارند که وجود همین اشتراکات و پیوند میان ملت و ادبیات ضرورت اصلی در شکل‌گیری این جستار بوده است. هدف از این نوشتار بهره‌بردن از بن‌مایه‌های پایداری و دفاع مقدس در اشعار صفارزاده و کاشانی، با ارائه تصویری دقیق و جامع از حس وطن‌دوستی دو شاعر بزرگ معاصر است.

سؤالاتی که پژوهش حاضر در جهت پاسخ به آن‌ها به رشته تحریر درآمده است: ۱. طاهره صفارزاده و سپیده کاشانی تا چه میزان به وطن خویش علاقه داشته‌اند؟ ۲. دو شاعر در این راه از چه لوازمی بهره برده‌اند؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

در مورد طاهره صفارزاده مقالات ارزشمندی نگاشته شده است:

شعاعی و مدرس (۱۳۹۰) در مقاله «تجلی مضامین اعتقادی در شعر طاهره صفارزاده» به بررسی تأثیر فضای حاکم بر جامعه در باور طاهره صفارزاده نسبت به مضامین اعتقادی پرداخته‌اند و اینکه آیا شاعر مذکور که دوره پهلوی را تجربه کرده است، با تحولات صورت گرفته، دچار تحول در بینش خود نسبت به مضامین اعتقادی شده یا اینکه تأثیری در باور او نداشته است.

گلبانچی و داراب‌پور (۱۳۹۲) در مقاله «اسطوره‌وارگی مفاهیم زنانه در شعر طاهره صفارزاده»، شاعر زن را نمادی از زاینده‌گی و پرورندگی انسان‌ها دانسته‌اند؛ به همین دلیل در بیشتر شعرهایش برای او، بعد اسطوره‌ای و الهه‌وار قائل شده‌اند. در این پژوهش مفاهیم آفرینش زن، زنانگی، عشق و احساسات زن و زبان زنانه صفارزاده مورد واکاوی قرار گرفته‌اند.

مدرس و خجسته‌مقال (۱۳۹۳) در مقاله «جلوه‌های مقاومت و پایداری در اشعار طاهره صفارزاده»، ضمن بررسی مضامین مقاومت در شعر صفارزاده، نتیجه گرفته‌اند اشعاری که وی برای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس سروده، از بسامد بالایی برخوردار است.

در مورد سپیده کاشانی نیز تنها مقاله زیر یافت شد:

صادق‌زاده (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی ویژگی‌های سبکی و تحلیل محتوایی شعر سپیده کاشانی»، به بررسی ویژگی‌های سبکی وی از جنبه‌های قالب‌های شعری و مختصات بیانی و ادبی تحلیل و بررسی و سپس به تحلیل محتوایی و بررسی مضمون‌ها و درون‌مایه‌های اشعارش پرداخته است.

۳-۱. نگاهی مختصر به زندگی دو شاعر

طاہرہ صفارزادہ، شاعر، نویسنده، محقق و مترجم متعهد در سال ۱۳۱۵ در سیرجان، در خانواده‌ای متوسط با پیشینه‌ای از مردان و زنانی با نگرش و رفتاری عرفانی و روحیه‌ای ستم‌ستیز به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی به خارج از ایران رفت و ضمن تحصیل در حوزه‌های نقد ادبی و نقد عملی، موفق به کسب درجه MFA شد. پس از بازگشت به ایران، هم‌زمان با شاعری به تدریس در دانشگاه و ترجمه آثار مختلف مشغول شد. در سال ۲۰۰۶ از سوی سازمان نویسندگان آفریقا و آسیا به‌عنوان شاعر مبارز و زن نخبه و دانشمند مسلمان برگزیده شد. او سرانجام در چهارم آبان ۱۳۸۷ در بیمارستان ایرانمهر دیده از جهان فرو بست. در حوزه تالیف و ترجمه علاوه بر مقالات و مصاحبه‌های علمی، ادبی، دینی و اجتماعی، از صفارزاده یک مجموعه داستان، دوازده مجموعه شعر، چهار گزیده اشعار و دوازده اثر ترجمه یا درباره نقد ترجمه منتشر شده است (اکبری و خلیلی، ۱۳۸۹: ۴۶).

سرور اعظم باکوچی (سپیده کاشانی) در مرداد ۱۳۱۵ در کاشان دیده به جهان گشود و در ۲۴ بهمن ۱۳۷۱، در اثر عارضه سرطان، در بیمارستانی در انگلستان دیده از جهان فرو بست. او از برجسته‌ترین شعرای انقلاب است که شعر گفتن را از سال ۱۳۴۸ آغاز کرد؛ اما نبوغ شعری وی در انقلاب و رویدادهای آن آشکار شد. آمیختگی مضامین ملی و دینی از ویژگی اشعار اوست. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت حوزه هنری درآمد و سال‌ها با آن همکاری داشت. از جمله آثار وی *پروانه‌های شب*، *هزار دامن گل سرخ*، *سخن آشنا*، *حکایت آنان که بقا را در بلا دیدند* و *مجموعه آثار* را می‌توان نام برد (لک، ۱۳۸۴: ۲۴۲).

۲. بحث اصلی پژوهش

دو شاعر گاهی به‌صورت مستقیم و گاهی به‌صورت غیرمستقیم به دفاع از وطن و ملت خویش پرداخته‌اند.

۲-۱. مستقیم

۲-۱-۱. وطن دوستی

ستایش سرزمین، ستایش یک نمود آرمانی است که برای شاعر ارزش ذاتی دارد. شاعر در این گونه اشعار همچون سربازی است که در رسالت تاریخی اجتماعی به هواداری از سرزمین خود می‌پردازد و در این میان، خویشتن را نیز آشکار می‌کند (لک، ۱۳۸۴: ۲۹). نگاه صفارزاده به‌هیچ‌وجه نگاهی بومی و مقید نیست؛ اندیشه او در تبادل با مناسبات سیاسی اجتماعی جهان شکل می‌گیرد. شاعر بیان می‌کند که علاوه بر وطنش، کشورهای دیگر از جمله افغانستان تحت ظلم و ستم دشمنان قرار گرفته و مردم در آنجا بدون هیچ گناهی کشته می‌شوند. تعهد قومی و عشق او به کشورهای دیگر بیانگر شعر قومی و ملی صفارزاده است. وی نیز برای بیان این موضوع از عنصر تکرار در کلمات فغان و افغان بهره برده است:

**جغرافیای جور و ستم / اعلام کرده / فغان و ناله و افغان هم / وطن دارند / در سرزمین فغان و افغان / در
افغانستان انسان بی‌گناه / کشتار می‌شود (صفارزاده، ۱۳۸۶: ۴۷).**

یکی از مضامین مهم در ستایش وطن، تشبیه آن به مادر است. این تشبیه در شعر بیشتر شاعران دیده می‌شود که نشان‌دهنده دل‌بستگی شاعر به سرزمین خود است. سپیده کاشانی در شعر «با من بخوان شعر ظفر» که برای خرمشهر سروده است، خرمشهر را به مادری تشبیه می‌کند که منتظر بازگشت فرزندانش است:

لختی دگر کن صبر، ای مادر دعا کن!
تا عقده دل روی دامانت گشایند
بوی بهاران داری ای صد چاک، ای خاک!
آیند فرزندان تو، آغوش و کن
بر ره گلاب خون می‌افشانند و آیند
سایه فرشته، باد بر آن تربت پاک
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۷۲)

وی همچنین در شعری با عنوان «سلام خرمشهر»، این شهر بندری را همچون مادری می‌داند که فرزندانش را در آغوش می‌گیرد:

صدای پای رهایی می‌آید/ قلب بندر/ بر فرزندان/ آغوش می‌گشاید/ نخل پیر/ تکرار عمر پر ثمر خود را
بار دگر در آینه خورشید/ بر پا ایستاده، محو تماشاست (همان: ۴۵۲).

هنگامی که سرزمینی مورد تهاجم بیگانگان قرار می‌گیرد، وظیفه افراد آن ملت است که به دفاع از حریم وطن خود به پا خیزند و این تکلیف برعهده تمام افراد آن ملت است؛ به طوری که وظیفه هیچ کس ساقط نمی‌شود. شاعران نیز به‌نوبه خود به انجام این تکلیف پرداخته و با سلاح شعر به مصاف دشمن آمده‌اند. سپیده کاشانی در شعر «مطلع صبح» به همین وظیفه خود اشاره نموده و خطاب به شهیدان راه وطن می‌گوید:

ولی ای شهید، سوگند به شط خون پاکت / از برای آنکه شب‌نامه دشمنان نویسم

پس از این برای دشمن، قلم است خنجر من! / همه قطره قطره خون من است جوهر من (همان: ۱۰۱).

۲-۱-۲. ستایش آزادی و آزادگی

آزادی وطن مسئله‌ای مهم است که تنها در سایه مبارزه و تلاش فراوان حاصل می‌گردد و نبود آن یک معضل سیاسی و حاد به شمار می‌رود (پیرزادینیا و نورمحمد نهال، ۱۳۹۶: ۷۱). آزادی، به‌عنوان یکی از مضامین مشترک شاعران مقاومت، در شعر صفارزاده تجلی یافته است؛ صفارزاده رشادت و دلیری مردم را می‌ستاید که طالب آزادی هستند؛ زیرا وجود استعمارگران داخل وطن، مشکلات و سختی‌های زیادی را برای آن‌ها به وجود آورده است:

و قامت بلند ایمان/ به سوی جنگ و شهادت برخاست/ شما که طالب آزادی هستید/ همواره گام‌های
اجانب/ اعصابتان را لگد کوب کرده است (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۳۲).

یکی از جلوه‌های مقاومت در اشعار شاعران مقاومت، ستایش آزادی و آزادگی است. انسان ذاتاً خواستار آزادبودن و رهایی است و از در بند بودن و اسارت بیزار است. شاعران در اشعار خویش به دنبال آن هستند تا این آزادی فطری را در افراد زنده کنند. سپیده در شعر «بهار در...» گذر فصل‌ها را نظاره می‌کند. او می‌بیند که فصل بهار با همه زیبایی‌هایش آمده، ولی شاعر از آمدنش خوش حال نیست؛ او دوست دارد بهار زمین، با بهار آزادی همراه باشد:

اینجا بهار فصل مطرح نیست ما را
ما را بهاری باید از این دست، آری
آن می‌سزد ما را، که مانند نسل‌ها را
ما راست در آزادگی، رنگین بهاری
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۴۸)

۲-۱-۳. امید به آینده روشن وطن

امید و خوش‌بینی به آینده، از جمله مؤلفه‌هایی است که در اشعار صفارزاده دیده می‌شود. شاعر متعهد وظیفه خود می‌داند که وقتی در جامعه از نظر شرایط سیاسی و اجتماعی فضای غم و اندوه حاکم باشد، امید و خوش‌بینی را در مخاطب ایجاد

کند. او در اغلب اشعارش همیشه به آینده‌ای روشن برای کشورش امیدوار است و فتح و پیروزی وطن در برابر دشمنان را نوید می‌دهد:

ای بندیان ظلم جهان خواران / افطار فاتحانه انسان نزدیک است / افطار فاتحانه انسان / فجر شکوهمند رهایی
است / اینک دیری است کان طلوع / در قامت بلند شما ناییده است / زیرا شما ز خویش رها هستید / ای نسل
ناب / ای نسل بدر (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۲۵).

یکی از روش‌هایی که شاعران ادبیات مقاومت، از جمله سپیده کاشانی، برای دفاع از وطن به کار برده‌اند، امیددادن به رزمندگان و ناامید کردن دشمنان است. وی در یکی از شعرهایش به جوانان کشورمان این‌گونه امید می‌دهد:

روی این بوم بزرگ می‌توان نقش نمود / طرح کاج سبز خوشبختی / و به هر شاخه آن / چلچراغی آویخت /
می‌توان شب‌ها را زائل کرد / می‌توان فریاد عصیان را / در سرود شادی مدفون ساخت / می‌توان در پاییز /
گل سرخی رویاند / و رها کرد بهاران را / از بند زمان (کاشانی، ۱۳۸۹: ۳۷۷).

سپیده همچنین در شعر خود با عنوان «بهار است و هنگام گل چیدن من» به دشمن، گرچه پیروزی‌هایی به دست آورده باشد، پیام شکست و ناامیدی می‌دهد:

جدا سازی ای خصم، سر از تن من! عشق میان من و میهن من؟ تجلی هستی است جان‌کندن من (همان: ۱۰۴)	تم گر بسوزی، ز قلبم به تیرم بدوزی کجا می‌توانی ز قلبم ربایی تو مسلمانم و آرمانم شهادت
---	---

۴-۱-۲. دعوت به مبارزه در راه وطن

شاعران مقاومت، شکست و تسلیم را مطرود می‌دانستند و تا آنجا که قدرت داشتند در برابر توطئه‌های دشمن پایداری می‌کردند (عطوات، ۱۹۹۸: ۶۹۳). شاعر ادبیات مقاومت پس از آنکه توانست روحیه امید را در میان هم‌وطنانش مستحکم کند، اکنون از همه می‌خواهد که به جهاد برخیزند و عزم خود را جزم کنند. صفارزاده با الهام از مضامین دینی و مذهبی خود، در دفاع از میهن و عشق‌ورزی نسبت به آن، در مقابل استعمارگران می‌ایستد و مردم را به ایستادگی و مقاومت فرامی‌خواند:

ما ایستاده‌ایم / در پای پرچم / در پای پرچم هیبات / هیبات من الذله / و پرچم ایستاده / زیر پرچم حق /
سردار و سربلند / و ایستادگی ما / به ایستادگی پرچم / در زیر پرچم است (صفارزاده، ۱۳۸۴ ب: ۸۶).

صفارزاده در جای دیگر به ستایش قهرمانی و خیزش و بیداری دلاوران پرداخته و حرکت دلاورمردان را توفنده توصیف کرده که در مواجهه با دشمن آرام و قرار ندارند و برای اینکه دشمن را شکست دهند، همواره به مقاومت و مبارزه با دشمن ادامه می‌دهند:

بر ضد اتحاد تعرض / این رشته طلوع و غروب / برنامه شبانه‌روز شماس / توصیف جاودانه موجید / توفنده /
بی‌خواب / بی‌قرار / پیوسته رو به ساحل ناآرامی / پیوسته رو به صخره دشمن دارید / و در شکست هر شورش /
دوباره می‌شوید (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۳۳).

سپیده کاشانی در ابیاتی زیبا در شعر «حماسه مقاومت»، برای رسیدن به هدف خود از پدیده‌های طبیعت مدد می‌جوید:

خورشیدوار از دام شب رستن از رعد، بر دشمن خروشدن	آموختیم از بحر، پیوستن از چشمه رمزوراز جوشیدن
--	--

در رزمگه، استادگی از کوه

دشمن‌ستیز و صابر و نستوه
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۷۰)

۵-۱-۲. مباحث و ستایش شهدا و بزرگان وطن

یکی دیگر از مفاهیم که شاعران مقاومت در اشعار خود از آن بهره می‌جویند، ستایش شخصیت‌های مبارز و ظلم‌ناپذیر در برابر ظلم و جور عصیانگران و فخر به آن‌هاست. شاعران معمولاً در اشعارشان، چنین شخصیت‌هایی را می‌ستایند تا ضمن جاودانه ماندن نام و یاد آن‌ها، الگو و اسوه‌ای برای بقیه مردم شوند. «فخر نوعی مدح است که طی آن، شاعر کارهای خوب و پسندیده خود را می‌ستاید و فضایل و مکارم اخلاق خود را به تصویر می‌کشد. گاهی فخر، خود شاعر را در بر نمی‌گیرد؛ بلکه قوم یا جماعتی را شامل می‌شود که شاعر به آن‌ها منسوب بوده و اعمال نیک و مجد و عظمت آن‌ها را می‌ستاید که به آن فخر گروهی گفته می‌شود» (ابراهیمی کاوری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

صفارزاده نیز در قالب شعر، یاد و خاطره قهرمانانی را که برای حفظ ایران جان‌فشانی کردند زنده نگه داشته است. او دلاوری‌های مدافعان میهن را این‌گونه توصیف می‌کند:

و نوجوانان / دور از حصار تجزیه و تحلیل / یک‌شبه مرد جوان شدند / پهلوان شدند / در جبهه / رزمندگان
دنبال مقصد ثارالله / هماره / مجموعه شهادت را / مانند نعمتی / از هم ربوده‌اند / آوازه دلاوری آنان / چونان
حکایت همیشه مظلومان / پشت حصاری از / رسانه‌های جمعی سلطه / اسیر می‌ماند (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۳۴).

یا در جای دیگر به این مطلب (ستایش دلوران وطن) اشاره می‌کند:

سال گذشته / سال دلاوری مردان بود / سال محاربه با نامردان / جهان / اجیر جهان‌خواران بود / جهان / پر از
خصومت با مظلومان / جهان پر از عداوت با ما بود (همان: ۱۲).

یکی از بارزترین ابعاد جهاد در راه خدا، شهادت و ایثار در راه وطن است. از خصوصیات شعر وطنی شاعران ملی، ستایش از شهیدان است که در بسیاری از اشعارشان انعکاس یافته است. «شهادت برای انسان‌های پاک‌باخته و ازدنیوارسته‌ای که خداجویند و عاشقانه راه می‌پویند، راه میان‌بری است که آن‌ها را زودتر و سریع‌تر از آن‌ها که از راه‌های دیگر در پی رستگاری‌اند به هدف‌های والایی در مسیر قرب الهی می‌رساند» (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۳۰). شهادت و شهادت‌طلبی از جمله ارزش‌های کلیدی و اثرگذار اسلامی است که وجود آن می‌تواند به شکل‌گیری و توسعه جهانی حق‌مدار و ظلم‌ستیز و برخوردار از آزادی کمک نماید (غیبی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۲۶). این ارزش یکی از زیباترین مفاهیم مورد توجه در شعر شاعران انقلاب است. اندیشه صفارزاده برگرفته از مکتب اسلام است. او منزلت شهیدان را چنین ارزیابی کرده است:

آه ای شهید / دست مرا بگیر / با دست‌هایی / کز چادرهای زمین کوتاه‌تر / است / دست مرا بگیر / من شاعر
هستم / با جان زخم‌دیده / من آمده‌ام که پیش شما باشم / و در موعود / دوباره باهم برخیزیم (صفارزاده،
۱۳۸۶: ۴۱).

یا مانند: تو هم شهیدی / شاهی / شهادت داده‌ای / بهشت منتظر توست (همان: ۵۴).

سپیده در ستایش مقام والای شهید در شعر «کوچه‌های آشنایی» چنین سروده است:

پشت بر پاییز، یاران داشتند بی‌امان، رو به بهاران داشتند

جرعه‌نوشان بلا با شور و حال / **تا خدا رفتند دور از قیل و قال**
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۳۰)

یکی از شخصیت‌هایی که سپیده در شعرش او را می‌ستاید، روحانی مبارز سیدحسن مدرس است:

او آمد در جامه‌ای کرباس / نقش بیداری به شب می‌زد
دشمنان چون خار و او چون داس / پرده‌های شب عقب می‌زد
می‌کند با حکمت و تدبیر / دیو استتبار در زنجیر
(همان: ۱۷۹)

سپیده در شعر «گل صحرای خمین» به ستایش رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی (ره)، پرداخته است:

چارده قرن، بسی گل و اشد / گلی آزاده ز صحرای خمین
شد ز آزادگی‌اش سرو، خجل / از یکی روح خدا پیدا شد
خونش آمیخته با خون حسین / چون به پا خاست، نگران شد باطل
(همان: ۱۵۴)

۲-۲. غیر مستقیم

۲-۲-۱. بهره‌گیری از نمادهای مرتبط با وطن

نماد کلمه‌ای فارسی است که به معنای فاعل و ظاهرکننده و نیز به مفهوم نشان و علامتی یا معنای خاصی آمده است (انوری، ۱۳۸۱: ۷۹۶۲). رمز معادل عربی نماد و سمبل معادل انگلیسی آن است که در لغت «اشاره با دولب، چشم یا ابرو» (فیروزآبادی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۲۵۳) و در واقع خلق صدای ضعیف با زبان است که بدون صراحت ادا می‌شود» (ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ۳۵۶). در اصطلاح رمز پدیده‌ای حسی است مانند اشاره به مشابهت دو چیز که خیال رمزگرای شاعر آن را احساس کرده است» (محمد فتوح، ۱۹۸۴: ۴۰). رمز در مفهوم جدید برای یک کشف خیالی وضع شده است و با وجودی که می‌توان تأویل و تفسیرهای مختلف از آن ارائه نمود، اما درنهایت «مصدق آن، ذات خودش است» (بسیسو، ۱۹۹۹: ۲۳۳).

«به‌کارگیری نمادها یکی از برجستگی‌های ممتاز شعر معاصر ایران و عرب، به‌خصوص شعر مقاومت است. این ویژگی مهم از عناصر اساسی شعر مقاومت معاصر ایران و عرب است که با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی، گاهی صورت‌های بیانی آن در قالب‌های کنایی و استعاره‌ی بیشتری جلوه می‌کند و گاه بسته به شرایط سیاسی و اجتماعی و تاریخی و فرهنگی، در اشکال بیانی ساده و روان‌تر خود را نشان داده است (نک: محسنی‌نیا، ۱۳۸۸: ۸).

۲-۲-۱-۱. نمادهای دینی

۲-۲-۱-۱-۱. انبیا

افتخار به گذشته‌ی غرورآفرین همواره یکی از تکیه‌گاه‌های ادیبان مقاوم بوده است؛ بنابراین شاهدیم که «ادبیات پایداری ملت‌هایی که ریشه‌های دینی و اعتقادی دارند، با طرح گذشته‌ها، شخصیت‌های افتخارآفرین و اسوه‌های پایداری قرین است» (امیری خراسانی و آخشن، ۱۳۹۱: ۳۰).

حضرت ابراهیم (ع) و حضرت محمد (ص): حضرت ابراهیم (ع) اسوه مبارزه با بت‌پرستی و شرک است. پیامبر (ص) نیز اسوه مقاومت و مبارزه با ظلم و ستم می‌باشد؛ لذا شاعر آن دو حضرت را به‌عنوان الگویی کارآمد و نماد مبارزه و حق‌طلبی

برای اوضاع زمانه‌اش قرار داده است:

فرمان حرکت این تحریر / از پایگاه حضرت ابراهیم / از پایگاه پاک رسول / از خاستگاه اولیای خدا آمده
(صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۱۰۵).

مسیح(ع): مسیح نماد رهبری انقلابی و مبارز است و می‌تواند الگویی کارآمد برای مبارزات مردم برضد رژیم مستبد باشد. رابرت اِمت یکی از پیشتازان استقلال‌طلبی ایرلند است که در سال ۱۸۰۳ به دار آویخته شد. صفارزاده میان به دار آویخته شدن رابرت اِمت و مسیح پیوند برقرار کرده است:

تابوت کوچک و سبک او / ظرف خلاصه‌ترین جسم / نشانه بزرگی ایمانش بود / همراه و در هدایت تابوت /
مسیح آمده است و «اِمت» (همان: ۲۶).

۲-۲-۱-۱-۲. ائمه اطهار(ع)

حضرت علی(ع): حضرت علی(ع) در شعر صفارزاده مظهر شهادت، ایثار و مبارزه با دشمنان است:

قلوب آفتابی الهیان / قلوب خالص دین خواهان / به صوت خوب علی گوش می‌دهند / که خوش‌ترین
تلاوت عشق از اوست / از مولا (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۱۲۲).

امام حسین(ع): صفارزاده در شعرش شخصیت‌های دینی همچون امام حسین(ع) را به الگویی کارآمد برای نسل امروز تبدیل نموده است؛ زیرا امام حسین(ع) مظهر شهادت، عدالت‌خواهی، فداکاری و ایثار و سمبل مبارزه با حکومت ظالم بنی‌امیه تلقی می‌شود:

در آن شبی که حمله از همه جانب بود / امام حسین(ع) / آن آفتاب حق و شهادت / از ارتفاع مهر و عنایت /
بر توده‌های ابر تو خوابید / از هیبتش ددان به قعر گم‌شدگی رفتند (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۱۷۵).

حضرت مهدی(عج): شاعر منتظر از اوضاع موجود در وطنش ناراضی است و در پی رسیدن به افق بی‌کران موعود(عج) است. درون‌مایه شعر انتظار، عدالت‌خواهی، برابری و پیروزی بر دشمنان است؛ بنابراین با مسائل سیاسی اجتماعی پیوند خورده است؛ در این شعر نیز شاعر دنیای آرمانی خود را بیشتر با اتکا بر ظهور امام‌زمان(عج) بنا می‌کند.

به روز جمعه دیدار / نام تو جمعه است / ای بهترین اهل زمان / ای بهترین اهل زمین / ای یار / ای
خجسته‌ترین صبح انتظار (همان: ۱۴۸).

۲-۲-۱-۱-۳. معصومین

حضرت فاطمه(س): صفارزاده همچون دیگر شاعران، حضرت فاطمه(س) را اسوه‌ای مذهبی و نماد صبر و استقامت در برابر ظلم و ستم دشمنان معرفی کرده و چنین سروده است:

همچون غبار / از روی خاک برگرفته شدم / و چون رسیدم / سرم به دامن بانو کشیده شد / آن دامنی که / سر
سروان عالم را / پناه بود به دوران / تمام زندگی ام بغض بود / علیه ظلم و جهالت (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف:
۱۰۸).

۲-۲-۲. سایر نمادهای مرتبط با وطن

نیومارک (۱۹۹۳) معتقد است حیوانات دارای بیشترین نماد فرهنگی هستند (به نقل از استاجی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲).

گرگ: «در فرهنگ ما گرگ زاده اهریمن است و نماینده نیروی شر و نماد آز و بی‌رحمی و مرده‌خواری می‌باشد» (بنویست، ۱۳۷۷: ۴۸). نیز گرگ تمثیل درندگی و ظلم و ستم است (خیریه، ۱۳۸۴: ۲۰۵). در این شعر، «گرگان» نماد دشمنان وطن قرار گرفته است:

در پهنة دشت هم خبری نیست / شکار گرما پیدا نمی‌شود / هجوم زوزۀ گرگان / تو را به یک حصار
فرامی‌خوانند (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۸۷).

دزد: شاعر، استعمارگران داخلی و خارجی را به دزد تشبیه کرده است:

ما خواب بودیم / ما بیش از آن در خواب بودیم / که همه‌ای پای دزدان / دزدان داخلی و خارجی /
بیدارمان کند (همان: ۳۱).

شیاطین: در این شعر، دشمنان به شیاطین تشبیه شده‌اند که موجب فتنه‌گری و تفرقه میان مردم شده‌اند:

و او که می‌دانست / که اتحاد شیاطین / جداگر نهانی ملت‌ها / نگونگر نظام هویت‌هاست (همان: ۲۷).

زنبور: همان‌طوری که نیش زنبور آزاردهنده است، شاعر نیز زنبور را سمبل آزار و اذیت دشمنان وطن می‌داند:

مگز و دل طلایی تو / مقصد زنبوران است / آن نیش‌های حریصانه / بی‌مکت و بی‌امان / شهد تو را ز سینه درو
می‌کنند (همان: ۹۱).

عنکبوت: عنکبوت نمادی است برای دشمنان که دام خود را می‌بافد که شکارش در آن بیفتد و بمیرد. لانه‌های عنکبوت در شعر صفارزاده نماد دشمن است. نیز تلمیحی است به آیه قرآنی «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت، ۴۱):

ای نونها! / هموار و نرم و روشن می‌خوانی / در این تلاوت معصومانه / چونان که در صدای ناب اذان / جان
از مجاورت دلتنگی‌ها / از لانه‌های عنکبوتی این روزمره‌ها / پر می‌کشد به خیمه‌های سردمدی بالا (صفارزاده،
۱۳۸۴ الف: ۱۳۱).

ددان: در این شعر، شاعر دشمنان را به «ددان» تشبیه کرده است:

ددان به چهره چو آدم / ددان دست‌نشانده / ددان دست‌آموز / و در بیداری / ضربه‌زنندگان / به ضربه گرفتار
آمدند (همان: ۱۷۵).

کفتار: حیوانی لاشخور است و در شعر صفارزاده نماد دشمن و ظلم و ستم است:

تویی که «منتظری» / چگونه منتظری / که پنجه کفتار کفر / نسوج روح تو را نگیسد / و قلب تو را نشکند / در
هر زمان / مهمیز جهل / مهمیز ظلم / بر گرده شعور تو می‌کوبد خواب‌زده / از درک این محاسبه خالی هستند
(همان: ۱۵۰).

روباه: در فرهنگ عامیانه، معمولاً روباه سمبل حیله‌گری و نیرنگ است (خیریه، ۱۳۸۴: ۹۲). شاعر، روباه را تمثیل گرفته برای دشمنان مستبدی که با حیله‌گری و مکر و فریب، خاک وطن را تصرف کرده‌اند:

مردان ظاهری / دهشت‌زده / تو را به سان جذامی‌ها / به محفل تهایی رانند / روباه روز / روباه شب /
مجموعه فریب شبانه‌روز (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۱۷۱).

«مکان‌های جغرافیایی هر کشوری نماد آن کشور محسوب می‌شوند و شاعر با پرداختن به این موضوعات، از تمامیت ارضی سرزمین خود دفاع می‌کند» (لک، ۱۳۸۴: ۲۲۹). شاعران مقاومت نیز در اشعارشان بسیار از نمادها بهره گرفته‌اند؛ مانند سپیده کاشانی که در وصف البرز سروده است:

البرز ای سرافراز! ای با تو مهر دمساز	ای با ستاره همراز، لب را به قصه کن باز!
بشنو گذشته‌ای دور: در دامنیت زمانی	می‌زیستند آرام، خوشبخت مردمانی
غوغای فتنه برخاست، از دوردست ناگاه	آتش فکند در دشت، قومی پلید و گمراه
	(کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۶۹)

یا در سروده‌ای دیگر، از «خرمشهر» به عنوان نماد تمام ایران سخن به میان می‌آورد:

ای شهر خرمشهر، ای خاک گهرخیز!	ای سینه پرآذرت از قصه لبریز
خاکت ببوسم، خاک تو بوسیدنی شد	گل‌های خرمشهر من بوییدنی شد
ای قلعه ایثار و محراب عبادت!	آه، ای مقاوم شهر! شهر شهادت
	(همان: ۱۷۲)

۳-۲. اساطیر مرتبط با وطن

اسطوره‌ها در واقع نمایش قدرت مردم یک سرزمین هستند که در بستر زمان شکل می‌گیرند. انسان‌ها برای تقویت روحی و روانی خود، پیروزی‌های خود را در اسطوره‌ها جاودان می‌سازند (لک، ۱۳۸۴: ۸۰).

رستم: نماد پهلوانی و شجاعت می‌باشد. صفارزاده رزمندگان دفاع مقدس را به پهلوانانی همچون رستم تشبیه نموده است:

در جبهه دست غیبی امداد / ابر سیاه را / از مسیر هواپیما برمی‌دارد / و او کز نسل غنچگان / این همه یل و رستم / رویانده (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۴۱).

ماردوش: کتب تاریخ اسلامی بر وجود دو مار یا دو اژدها بر شانه‌های ضحاک تصریح کرده‌اند (بیرونی، ۱۳۵۲: ۲۹۷؛ گردیزی، ۱۳۷۴: ۳). مقدسی عامل ماردوشی ضحاک را بوسه ابلیس می‌داند: «گویند ابلیس به صورت پسری نزد ضحاک رفت و بر دوش او بوسه زد و از آنجا دو مار برست که غذای آن‌ها سر آدمیان بود» (مقدسی، ۱۳۷۴: ۱۲۲). اما در این شعر، شاعر «ماردوش» را سمبل دشمن می‌داند:

سال گذشته / سال رهایی آن ماردوش بود / از حمل مارها / که یاوران بزرگش بودند / و در هلاکت هویت ما / هر صبح و شام / از مغزهای خوب جوانان خوردند (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۱۳).

شمر: در این شعر، «شمر» نماد شخصیتی منفی و ظالم است:

این هیکل تناور ظلمانی / خصمانه می‌نشیند / از تلاطم یک مجهول / بر روی سینه معلوم / شمرانه می‌نشیند / با خباثت یک شیطان / بر روی سینه معصوم (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۷۲).

از جمله شخصیت‌های اسطوره‌ای در شعر سپیده کاشانی می‌توان به شیرین و فرهاد و لیلی و مجنون اشاره نمود. سپیده در ستایش فداکاری شهیدان سروده است:

گیسوی لیلیا طناب دار دشمن گشت لیک	همت مجنون نگر، کو از سر و پیکر گذشت
چشم شیرین زمان، دریاوش از خون موج زد	جان شیرین داد فرهاد و از این معبر گذشت
	(کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۴۱)

سپیده در اشعارش، شهیدان وطن را همچون ققنوس دانسته است. «ققنوس پرنده‌ای است افسانه‌ای که سمبل مبارزه است، سمبل رشادت و از خودگذشتگی و ایثار است. او مثل شمع می‌سوزد و بر گرد خود روشنی می‌بخشد. به نظر او باید علیه ظلم و بیداد و بی‌عدالتی و استبداد برافروخت، اگر چه به قیمت نابودی خویشش تمام شود» (جواری، ۱۳۸۸: ۱۰).

زان دورها یک مشیت خاکستر
دارد پیامی از نازنین سروری
باغ در دامن با دست می‌آید
کاین خاک بس ققنوس‌ها زاید
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۳۲۶)

۳. نتیجه‌گیری

طاهره صفارزاده و سپیده کاشانی دو بانوی شاعر ادبیات پایداری ایران، حوادث و رویدادهای کشور را به چشم خویش مشاهده کرده‌اند؛ بنابراین اشعاری را به سبب عشق به وطن سروده‌اند. لحن حاکم بر اشعار دو شاعر در بردارنده اعتراض به دشمنان بعضی است. قصاید دو شاعر بیانگر رنج‌های ملتشان است که ناشی از اوضاع سیاسی و اجتماعی می‌باشد. این دو شاعر در حوزه ادبیات پایداری و عشق به وطن مضامین مشترکی دارند که بیانگر آرمان والای آنهاست که در این مقاله با ذکر شواهد به این مضامین پرداخته شد؛ از جمله اینکه از نمادها و اسطوره‌ها برای تشویق و برانگیختن مردم به مقاومت در برابر ظلم و بیداد حاکمان ستمگر زمانه خود استفاده نموده‌اند. آزادی، عدالت، وطن پرستی، استعمارستیزی، تکریم شهیدان و ستایش رشادت دلاورمردان و قهرمانان، تشویق به مبارزه، دیگر آرمان والای دو شاعر است. از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت دو شاعر به خوبی توانسته‌اند به صورت مستقیم (ستایش سرزمین، مطرح کردن راه‌های دفاع و...) و به صورت غیرمستقیم (ذکر نمادها و اسطوره‌های وطن)، در جهت حفظ سرزمین خود به ایفای نقش پردازند. علاوه بر این، این اشعار توانسته است با ایجاد روحیه حماسی در میان ملت، در سرنوشت کشور مؤثر باشد. صفارزاده و کاشانی با وجود سادگی و روشنی اشعارشان، تمام توان خود را در جهت حفظ سرزمینشان به کار گرفته‌اند. در اشعار آنها روحیه دینی و مذهبی با روحیه ملی در هم آمیخته است و دو شاعر این امور را جدایی‌ناپذیر می‌دانند. آنها در اشعار خویش سعی نموده‌اند روحیه دینی مردم را حفظ نموده و در گسترش و حفظ اسلام تلاش نمایند.

فهرست منابع

۱. آیین‌وند، ص. (۱۳۷۲). پژوهش‌هایی در تاریخ و ادب. تهران: اطلاعات.
۲. ابراهیمی کاوری، ص. و دیگران (۱۳۹۲). تطبیق مضامین شعری ملک‌الشعرای بهار و سامی البارودی. مطالعات ادبیات تطبیقی، ۷(۲۵)، ۹۵-۱۱۶.
۳. ابن منظور، م. (۱۴۱۴). لسان‌العرب. ج ۳. بیروت: دار صادر.
۴. ابو حاقه، ا. (۱۹۷۹). الالتزام فی الشعر العربی. بیروت: دار العلم للملایین.
۵. اکبری، م. و احمد خلیلی (۱۳۸۹). بررسی اشعار طاهره صفارزاده از دیدگاه فکری. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ۳(۴)، ۳۵-۶۷.

۶. امیری خراسانی، ا. و قدرت آخشن (۱۳۹۱). اسوه‌های مذهبی در شعر دفاع مقدس. *نشریه ادبیات پایداری*، ۴(۷)، ۳۰-۵۸.
۷. انوری، ح. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: سخن.
۸. بسیسو، ع.ر. (۱۹۹۹). *قصیده القناع فی الشعر العربی المعاصر*. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر.
۹. بصیری، م.ص. (۱۳۷۶). *سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی از مشروطه تا ۱۳۲۰ ش.* پایان‌نامه منتشر نشده دکتر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۰. بنونیست، ا. (۱۳۷۷). *دین ایرانی بر پایه متن‌های معتبر یونانی*. ترجمه بهمن سرکاراتی. چ ۳. تهران: قطره.
۱۱. بیرونی، ا. (۱۳۵۲). *آثار الباقیه*. ترجمه اکبر داناسرشت. تهران: ابن سینا.
۱۲. پیرزادینیا، م. و زهره نورمحمد نهال (۱۳۹۶). نقد و بررسی جلوه‌های آزادی در شعر حلمی سالم. *دوفصلنامه ادبیات دفاع مقدس*، ۱، ۶۷-۸۲.
۱۳. جواری، م.ح. (۱۳۸۸). تحلیل تطبیقی ققنوس و آلباتروس دو شعر از نیما و بودلر. *مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان*، ۱، ۱۷-۳۰.
۱۴. خیریه، ب. (۱۳۸۴). *نقش حیوانات در داستان‌های مثنوی معنوی*. تهران: فرهنگ مکتوب.
۱۵. سنگری، م.ر. (۱۳۷۷). *ادبیات پایداری*. نامه پژوهش (ویژه دفاع مقدس)، ۳(۹).
۱۶. صفارزاده، ط. (۱۳۸۴ الف). *دیدار صبح*. چ ۲. تهران: پارس کتاب.
۱۷. _____ (۱۳۸۴ ب). *روشنگران راه*. تهران: برگ زیتون.
۱۸. _____ (۱۳۸۶). *بیعت با بیداری*. چ ۴. تهران: هنر بیداری.
۱۹. صنعتی، م.ح. (۱۳۸۹). *آشنایی با ادبیات دفاع مقدس*. تهران: صریر.
۲۰. عطوات، م.ع. (۱۹۹۸). *الاتجاهات الوطنیة فی الشعر الفلسطینی المعاصر من ۱۹۱۸ إلى ۱۹۶۷*. بیروت: دار الآفاق الجدیة.
۲۱. عمید زنجانی، ع.ع. (۱۳۸۴). *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*. چ ۱۵. تهران: طوبی.
۲۲. غیبی، ع.الف و دیگران (۱۳۹۳). *هویت اسلامی عربی و استکبارستیزی در اشعار فاروق جویده و نقش او در بیداری اسلامی*. *نشریه ادبیات پایداری*، ۶(۱۱)، ۳۱۰-۳۳۲.

۲۳. فروغی جهرمی، م.ق. (۱۳۸۹). *مقوله‌ها و مقاله‌ها...*. تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
۲۴. فیروزآبادی، م.ا. (۱۴۱۲). *القاموس المحيط*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۵. کاشانی، س. (۱۳۸۹). *مجموعه آثار سپیده کاشانی*. تهران: انجمن قلم ایران.
۲۶. گردیزی، ع.ح. (۱۳۷۴). *زین الأخبار*. به اهتمام عبدالحی حبیبی. تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
۲۷. لک، م. (۱۳۸۴). *ایران زمین در شعر فارسی*. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
۲۸. محسنی‌نیا، ن. (۱۳۸۸). *مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب*. نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۱(۱) ۱۴۳-۱۵۸.
۲۹. محمد فتوح، ا. (۱۹۸۴). *الرمز و الرمزیة فی الشعر العربی المعاصر*. ج ۳. قاهره: دارالمعارف.
۳۰. مقدسی، م. (۱۳۷۴). *آفرینش و تاریخ*. ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.